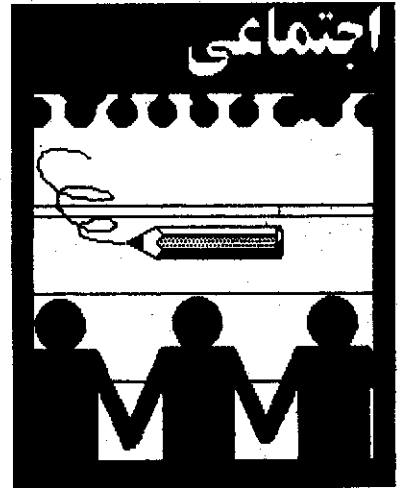


تهران سال ۱۳۳۰، تهران سال ۱۳۷۵

اجتماعی



کودکی که روز اول فروردین سال ۱۳۳۰ در تهران زاده شده، اکنون مرد یا زنی ۴۵ ساله است. آن کودک ممکن است اینک در شهریار کرج خانه داشته باشد و برای کار صبح به تهران بیاید و غروب باز گردد.

خیلی از کسانی که در سال ۱۳۳۰ به دنیا آمدند وضعیتی مشابه دارند: خانه‌شان مثلاً در خاک سفید تهران پارس است و محل کارشان در حومه غربی کرج. یا ممکن است در جاده ساهه مسکن داشته باشند و در یکی از خیابانهای نزدیک شیرازات کار کنند.

اگر انسانی که در سال ۱۳۳۰ بیست ساله بود به خوابی ۴۵ ساله فرو می‌رفت و در آستانه سال ۱۳۷۵ از خواب بیدار می‌شد بی‌تردید نمی‌توانست پلور کند این شهر بی‌در و پیکر همان تهرانی است که در سال ۱۳۳۰ حد شمالی آن امیرآباد-یوسف آباد-عباس آباد و حشمته؛ و حد جنوبی آن نهر فیروزآباد و ایستگاه راه‌آهن؛ و حد شرقی آن تهران نو و دوشان تپه و دولاپ؛ و حد غربی آن نیز طرشت-جی و بریانک بوده است.

آن خفته فرضی سال ۱۳۳۰ اگر اینک چشم بگشاید و قدم به خیابانهای تهران بگذارد از ازدحام جمعیت، انبوهی وسائل نقلیه، رهگذران شتابان، خیابانهای دودآلود و هوای سنگین شهر سرسام خواهد گرفت و بی‌بسیاریه و قلب عادت نیافته‌اش، آلودگی هوای تهران را برنتابد!

آن خفته فرضی سال ۱۳۳۰ اگر در عید نوروز همان

سال قصد می‌کرد از خانه‌اش که مثلاً در شرقی‌ترین قسمت شهر قرار داشت به خانه اقوامش در منتهی‌البه حدود شمالی-جنوبی و یا غربی تهران برود، یا سوار شدن برود خط اتوبوس در کمتر از نیم ساعت به مقصد می‌رسید.

آن خفته فرضی سال ۱۳۳۰ می‌توانست روز سیزده نوروز به ده نارمک، یا اراج یاکن یا پونک و یا یافت آباد برود و روزی را در دل طبیعت تازه از خواب زمستانی برخاسته، بگذارند. او حتی می‌توانست پای پیاده به امامزاده معصوم (که دشتی پر از گل‌های زرد بود) یا امامزاده حسن (سه راه آذری فعلی) برود و سیزده نوروز را در ییلاق سپری کند.

اما همین خفته فرضی در سیزده نوروز ۱۳۷۵ جایی را برای سیزده به در رفتن نخواهد یافت. همه دشتها، باغات و ییلاقات اطراف تهران شهره شده است. فهری که به جنگلی از آهن و سیمان شبیه‌تر است تا شهری که مناسب برای زندگی کردن انسانها باشد.

سفری به گذشته

برای آنک بدانیم تهران چه بوده و چه شده است باید به گذشته سفر کنیم. به گذشته‌ای نه چندان دور؛ فقط به ۴۵ سال قبل...

وسيله سفر ما یک کتابچه کوچک است با نام «راهنمای شهر تهران»

در سال ۱۳۳۰ دایره جغرافیایی ستاد ارتش که رئیس آن سرتیپ رزم آرا بود برای اولین بار جزوه‌ای منتشر کرد که حاوی جامع‌ترین اطلاعات در مورد این شهر بود. از حدود و نفوذ تهران گرفته تا نام خیابانها و کوچه‌ها، اماکن عمومی، سازمانهای دولتی، تعداد مدارس، تعداد بیمارستانها و... در این کتابچه با ذکر مشخصات (تلفن-آدرس و...) چاپ شده بود.

این کتاب برای کسی که بخواهد تهران امروز با تهران ۴۵ سال قبل را مقایسه کند یک مرجع ارزشمند است.

بر این کتاب مرحوم عباس اقبال آشتیانی (ادیب-محقق و تاریخ‌دان مشهور) مقدمه‌ای نوشته و با حیرت و تحسین از گسترش تهران و جمعیت انبوهش یاد کرده است. فرازهایی از این مقدمه را می‌خوانیم و بعد به بقیه قضایا می‌پردازیم. مرحوم اقبال آشتیانی می‌نویسد:

شهر تهران در جلگه واقع در دامنه جنوبی کوه البرز

که مساحت آن ۵۸/۵۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد قرار گرفته و محدود است: از طرف شمال به امیرآباد-یوسف آباد-عباس آباد-حشمته. از طرف جنوب به نهر فیروزآبادی-کشتارگاه-ایستگاه راه آهن. از طرف خاور به تهران نو-دوشان تپه-دولاپ. از طرف باختر بطرشت-جی و بریانک و امامزاده حسن...

جمعیت شهر تهران-جمعیت تهران طبق سرشماری سال ۱۳۲۱-۶۹۹۱۱۰ نفر و فعلاً بالغ بر یک میلیون نفر می‌باشد.

تاریخ پیدایش شهر تهران و وجه تسمیه آن دقیقاً معلوم نیست ولی مورخین و نویسندگان ضمن تحقیق اظهار نظر نموده‌اند که تهران در حدود سال ۲۰۰ هجری یکی از قراء شهری بوده است و از این تاریخ به بعد مکرر نام این آبادی به دو املائی (طهران) و (تهران) در کتب تاریخی و جغرافیایی دیده می‌شود ولی آبادی مزبور البته در جنب عظمت و جمعیت شهر ری اهمیت نداشت و تنها شهرت آن در آن ایام به آثار خوب آن بوده که انارکن امروز یادگاری از آنست.

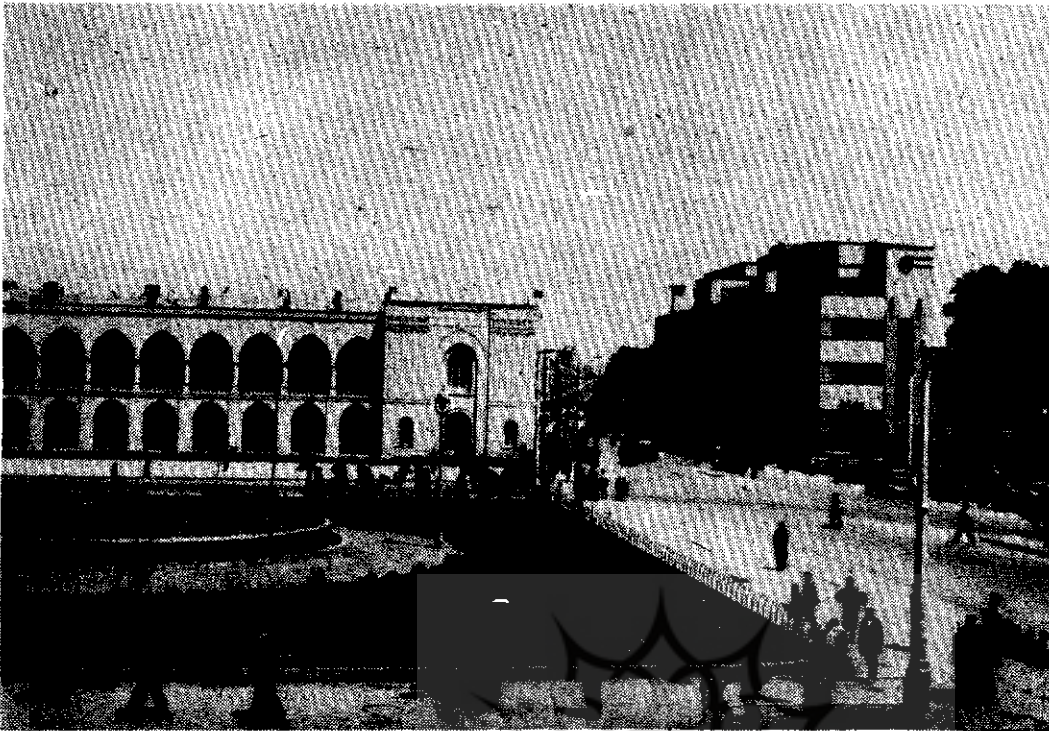
اگر چه شهر ری در استیلای مغول در حدود سال ۶۱۷ بکلی ویران گردید و دیگر روی آبادی ندید لیکن تهران به علت کوچکی و داشتن خانه‌های زیرزمینی در این فتنه نسبتاً مصون مانده ولی از خرابی ری و پناه آوردن مردم آن به قراء شمالی تهران کم صاحب اعتبار و جمعیت شد و از نیمه قرن هفتم هجری به بعد دیگر در کتابها نامی از آبادی ری برده نمی‌شود بلکه همه جا نام تهران به میان می‌آید و در نزهةالقلوب که در سال ۷۴۰ تألیف شده حمدالله مستوفی می‌گوید: اکنون شهری در خراب است و در باب تهران می‌گوید: قصبه‌ای معتبر است و آب و هوایش خوشتر از ری است...

در دوره‌های جدید کسی که توجه مخصوصی به تهران کرده شاه طهماسب اول پادشاه دوم سلسله صفوی است و او هر وقت از قزوین به طرف خراسان برای سرکوبی ازبکان و یالغیان دیگر می‌رفت در این آبادی رحل اقامت می‌افکند و در سال ۹۴۲ که از خراسان برگشت به ساختن باروتی به جهت دورادور شهر حکم داد و به فرمان او چهارده دروازه برای آن ساختند.

در عهد صفویه بتدریج تهران بزرگ و پر جمعیت شد حتی در آن ایام وسعت آن از کاشان نیز بیشتر بوده. با این که تهران در فتنه افغانه آسیب دید لیکن در عهد کریمخان زند مجدداً رو به عمارت گذاشت و

کریمخان ازکی جدید جهت تهران ساخت و عمارتی در آنجا برای اقامت خود بنا نمود که هنوز هم محل آن به نام خلوت کریمخانی در محل کاخ ایض باقیست.

از موقعی که آقا محمدخان قاجار تهران را پایتخت خود قرار داد آبادی و عظمت شهر رو به افزایش نهاد تا آنجا که در مدتی کم جمعیت آن به ۵۰۰۰۰ نفر رسید آقا محمدخان و جانشینان او یعنی فستعلیشاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه در تهران ابنیه و عمارت بسیار ساختند و مهمترین این بناها مثل مسجد شاه و ارک و شمس‌العماره و تخت مرمر و عمارت خورشید و بازارهای شهر از بناهای فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه است و دو بنای مهم دیگر مسجد سپهسالار و بهارستان (مجلس شورای ملی فعلی) از بناهای دوره ناصرالدین شاه است لقاظه نیز همان عصر ساخته شده.



نمایی از میدان امام (توپخانه) در سال ۱۳۳۰... مدخل خیابان لاله‌زار در عکس دیده می‌شود. ساختمان سمت چپ عمارت شهرداری بوده است که تخریب شد، اما ساختمان سمت راست هنوز به همین شکل در ابتدای لاله‌زار جنوبی قرار دارد.

تهران تا عهد ناصرالدین شاه منحصر بوده است به قسمت جنوب و جنوب شهر حالیه شامل محلات سنگلج و بازار و عودلاجان و چاله میدان. از عهد این پادشاه شهر بتدریج به طرف شمال و مغرب رو به توسعه گذاشته و در سال ۱۲۸۲ قمری که خندقی جدید جهت آن ساختند شهر را از شمال ۱۸۰۰ ذرع و از سه طرف دیگر از هر طرف ۱۰۰۰ ذرع توسعه دادند و از این تاریخ خیابانهای ناصریه و سیه و چراغ‌گاز و ری در داخل شهر افتاد و خندقی که از کناره شرقی خیابان ناصرخسرو و ضلع جنوبی خیابان برق (ابتدای پانزار یکی از دروازه‌های قدیمی شهر بود) و غربی خیابان ری می‌گذشت به چهار طرف جلو برده شد و خندقی جدید از حدود دروازه باغ شاه و یوسف‌آباد (مقابل کالج البرز) و دروازه دولت و شمیران (در امتداد خیابانهای سی متری نظامی و شاه رضا) به دروازه دوشان تپه و دولاب و خراسان و شاهزاده عبدالعظیم و غار و گمرک جلو برده شد به این ترتیب سه فرسنگ و نیم (۲۱ کیلومتر) طول محیط شهر گردید و باغهای بزرگی که سابقاً در بیرون شهر تهران بود مثل لاله‌زار (محل خیابان سعدی حالیه با اطراف آن) و بهارستان (ادارانشورای ملی) و نگارستان (هنرستان کمال الملک و دانشسرای عالی) و پارک امین‌الدوله و پارک امین‌السلطان و باغ کامرانیه و حسن‌آباد و خیابانهای استخر و پاریس و اطراف آنها در داخل شهر قرار گرفت و روز به روز به علت حفر قنوات تازه و زیاد شدن جمعیت رونق و آبادی تهران رو به افزایش

رفت.

از سال ۱۳۰۰ شمسی (۱۳۲۰ قمری) که دوره نهضت جدید ایران شروع می‌شود... بر اثر ایجاد شهرداری منظم امر توسعه معابر و بناهای ساختمانهای جدید به سبک نوین مورد توجه قرار گرفت مخصوصاً از دیدار روابط با خارجیان و روزافزون شدن وسایل نقلیه سریع‌السریر این توجه را بیش از پیش کرد بطوری که تهران در مدت بیست سال بتدریج بصورت یک شهر زیبای جدید درآمد خیابانهای وسیع اسفالت شده در آن احداث و عمارات محکم و بلند و خوش منظره بنا گردید و ابنیه دولتی مهم مثل باشگاه افسران - بانک ملی - پستخانه - وزارت خارجه و کاسخای سلطنتی و اختصاصی بوجود آمد و چون در این فاصله شقه نهری نیز از رودخانه کرج جدا کرده به تهران رسانیدند کمیابی آب تا حدی جریان گردید شهر به سرعت عجیبی از چهار طرف وسعت و آبادی یافت و جمعیت آن که در حدود سال ۱۳۰۰ شمسی از ۱۵۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد به میزانی ترقی کرد که حالیه به حدود یک میلیون نفر رسیده است.

می‌بینیم که مرحوم عباس اقبال آشتیانی با چه شگفتی و حیرتی از توسعه تهران سخن رانده است. اما اگر همان مرحوم امروز در قید حیات بود و می‌دید سر تهران بر دامن البرز است و ته آن تا مرز کویر و میانه جاده ساره کشیده شده، و حد شرقی آن می‌رود که به رودهن وصل شود، و حد غربی آن را قرار است تا

هشتگرد امتداد دهند، و جمعیتش از ده میلیون نفر نیز فراتر رفته است، چه می‌نوشت؟

دیروز... امروز

اطلاعاتی که از کتابچه مورد بحث استخراج کرده‌ایم و به صورت فشرده ارائه می‌دهیم نشان می‌دهد تهران، دیروز چه بوده و امروز چه شده و برای امروزی شدن آن ما چه بهائی پرداخته‌ایم؟ و باید بپردازیم! وسعت شهر را در سال ۱۳۳۰ از خلال توصیف مرحوم عباس اقبال آشتیانی دریافتیم، اینک ببینیم در این وسعت چه چیزهائی وجود داشته است:

از لحاظ اداری و سیاسی علاوه بر دربار، در سال مزبور این سازمانها و وزارتخانه‌ها وجود داشته‌اند:

مجلس سنا، مجلس شورای ملی، نخست‌وزیری، وزارت اقتصاد ملی، وزارت امور خارجه، وزارت بهداشتی، وزارت پست و تلگراف و تلفن، وزارت جنگ، وزارت دارائی، وزارت دادگستری، وزارت راه، وزارت فرهنگ، وزارت کار، وزارت کشاورزی، وزارت کشور.

بیمارستانها و پزشکان

تهران در آن روزگار جمعا ۳۷ بیمارستان داشته که ۳ بیمارستان ارتش نیز در این آمار منظور شده است. نام برخی از آن بیمارستانها را که تعدادی از آنها هنوز هم

دایر است ذکر می‌کنیم:

یحیایان، نجات، بوعلی، سینا، رازی، روزبه، فارابی، وزیر، امیراعلم، زنان، آمریکائی، باهر، چهارزی، شوروی، میناقیه، نجمیه.

درمانگاههای تهران نیز عبارت بوده است از: درمانگاه هدایت، درمانگاههای شماره ۲، ۳، ۴ و ۷، درمانگاه خواجه نوری، درمانگاه قلهک، درمانگاه دریسفوس و درمانگاه نیاوران. بر این واحدها باید آسایشگاه شاه‌آباد را نیز اضافه کرد.

نام ۱۰۹ پزشک با آدرس و شماره تلفن آنها در این کتابچه درج است. مجموعه پزشکان ارتشی نیز در این آمار ملحوظ است. نام عده‌ای از این پزشکان که شاید برای خیلی‌ها هنوز هم آشنا باشد از این قرار است:

سادات افجه شماره ۱۲۱، محمد نجم‌آبادی.

تهران همچنین ۱۰۱ دفتر ثبت طلاق داشته است. در میان آنان نیز اسامی آشنائی را یافته‌ایم:

شماره ۱، دکتر حسن امامی (امام جمعه معروف تهران). شماره ۲، سید محمد بهبهانی. شماره ۹، ضیاءالدین میراسکندری. شماره ۲۰، سید مهدی فیروزآبادی. شماره ۴۰، سید محمد امامی رضوی. شماره ۳۶، حسن خندق‌آبادی. شماره ۶۲، محمدتقی سادات گوشه. شماره ۶۵، سید حسین کاشانی. شماره ۶۸، محمدصادق شاه‌آبادی. شماره ۷۲، حسن نجم‌آبادی. شماره ۹۱، علی محمد آقاچسینی. شماره ۱۰۱، حسن مدرس زاده تهرانی.
دفاتر شماره ۸۲-۸۳-۸۴-۹۲-۹۵ طلاق متعلق به

تهران در ۴۵ سال قبل فقط ۱۷۷ دبستان و ۵۱ دبیرستان پسرانه و دخترانه داشته است

اقلیت‌های مذهبی بوده است.

تعداد دفاتر ازدواج تهران در سال ۱۳۳۰ رقم سرراست ۲۰۰ را شامل می‌شده است. دفاتر ازدواج اقلیت‌های مذهبی هم در این آمار گنجانده شده است. پاره‌ای از اسامی را می‌آوریم:

شماره ۱، دکتر حسن امامی (همان امام جمعه). شماره ۲، سید محمد بهبهانی. شماره ۷، جعفر افجه. شماره ۸، قوام‌الدین شریعت‌مداری. شماره ۱۰، عبدالحسین نجم‌آبادی. شماره ۱۲، محمدحسین قنات‌آبادی. شماره ۲۳، سید مهدی فیروزآبادی. شماره ۳۰، عبدالله بهبهانی. شماره ۴۹، علاء‌الدین مشکور. شماره ۶۰، جعفر بهبهانی. شماره ۶۱، علی اصغر فراسیون. شماره ۶۴، سید محمد آل‌احمد. شماره ۷۱، عبدالحسین نجم‌آبادی. شماره ۸۰، سید حسین کاشانی. شماره ۹۰، حسن نجم‌آبادی. شماره ۱۰۷، حسین مکی. شماره ۱۱۴، محمدتقی سادات گوشه. شماره ۱۱۷، محمدصادق شاه‌آبادی. شماره ۱۱۹، حسین مدرس تهرانی. شماره ۱۲۸، علی سعید. شماره ۱۴۶، ضیاءالدین میراسکندری. شماره ۱۵۹، علی دژکام. شماره ۱۶۸، علی محمد آقاچسینی. شماره ۱۷۵، سید محسن بهبهانی. شماره ۱۹۴، بهاء‌الدین غروی. شماره ۲۰۰، ابوالقاسم فلسفی.

حتماً این ظن برایتان پیش آمده که تکرار اسامی در سه گروه دفاتر اسناد رسمی-طلاق و ازدواج ناشی از اشتباه ما بوده است. نه! در آن روزگار نیز مثل روز خودمان رسم بوده که یک نفر چند شغل داشته باشد!

آموزش عالی

در راهنمای موصوف مؤسسات آموزش عالی

تهران در ذیل مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ آورده شده است. این مؤسسات که همگی وابسته به دانشگاه تهران بوده‌اند عبارتند از:

دانشکده‌های پزشکی- داروسازی- دندانپزشکی- حقوق- فنی- هنرهای زیبا- ادبیات- دانشسرای عالی- علوم- کشاورزی- دامپزشکی و معقول و منقول

دبستانها و دبیرستانها

تهران در سال ۱۳۳۰ مجموعاً ۹۳ دبستان پسرانه داشته که از این تعداد ۱۷ واحد آن دبستان ملی و بقیه دولتی بوده است.

نام تعدادی از مدارس ملی پسرانه: اتحاد- ایران- تمدن- شرف- محمدی- شریعت- علمیه- نوشیروان- کوشش و نخستین. و نام تعدادی از دبستان‌های دولتی پسرانه: ابن سینا- ابن یحیی- ادب- انصاریه- بهیمن- حکیم نظامی- دانش- رازی- رشديه‌آبادی- فیروزکوهی- قائم مقام- نشاط.

در آن سال تهران همچنین ۸۴ دبستان دخترانه داشته که همگی دولتی بوده‌اند. نام تعدادی از این دبستانها: شکوفه- شمس- شهناز- فروردین- فیروزکوهی- کانون بانوان- گردآفرید- مدائن- آذر- میدخت- پروانه- پوراندخت- تهمنیه- دولت‌آبادی- رودابه- مهر ایران- مهرگان- مهستی- همایون- همای.

تعداد دبیرستانهای پسرانه تهران ۳۱ واحد بوده که ۹ واحد ملی و بقیه دولتی بوده‌اند. مشهورترین دبیرستانهای دولتی پسرانه: ادیب- البرز- حکیم نظامی- خرد- دارالفنون- دانشسرای تهران- رهنما- شرف- مروی

و دبیرستانهای ملی پسرانه: اتحاد- بیستون- تمدن- جعفری- رازی- فیروز بهرام- کورش- نورصادقت و نوشیروان.

تهران در همان سال ۲۰ دبیرستان دخترانه داشته که ۷ واحد آن ملی و بقیه دولتی بوده‌اند.

تعدادی از دبیرستانهای دخترانه دولتی: آرزوم- پروین- پروین اعتصامی- دانشسرای مقدماتی دختران- شاهدخت- شهناز- کسائی- ناموس و دبیرستانهای دخترانه ملی: اتحاد- نوشیروان دادگر- ایران- بدریه- خاور- کورش و نوبانگان.

شهرداری و مؤسسات شهری

کل دستگاه شهرداری پایتخت را در سال ۱۳۳۰ یک شهردار- یک معاون او و دو مدیرکل (مالی- امور اصناف) اداره می‌کردند. اداره آتش‌نشانی فقط یک واحد داشته که در چهار راه حسن‌آباد دایر بوده است (این محل هنوز هم وجود دارد).

۱۴ برزن- ۵ دادگاه کیفرگرافروشان- ۱۴ درمانگاه- دو تیمارستان- دو شیرخوارگاه- ۵ واحد رسیدگی به امور

جهانشاه صالح، امیراعلم، محمد علاء، چهارزی، میرسیاسی، پرفسور عدل، پرفسور شمس، پرفسور جمشید اعلم، اعلم مروستی، مسیح دانشوری، محمد یزدی، علی شفا (سرتیپ)، عبدالکریم ایادی (سرتیپ)، همان پزشک دربار).

در کتابچه نام ۱۹ داروخانه به عنوان داروخانه‌های «نگهبان شبانه» ذکر شده است: آمریکائی، بهرینگ، بهزاد، پیروز، رکس، سلامت بخش، شکوفه، علائی، کریستال، لایلا، مروت، منشور، میر، نشاط، نیر، نیرو، یاس، شمیران، نوبلی.

دفاتر اسناد رسمی، طلاق و ازدواج

تهران سال ۱۳۳۰ جمعاً ۱۳۱ دفتر اسناد رسمی داشته است. نام سرپرستان تعدادی از این دفاتر همراه با شماره دفترخانه مربوطه ذکر می‌شود. نام‌های آشنائی در میان آنها دیده می‌شود و شاید یکی از اعضای خانواده شما در آن دفترخانه معامله‌ای انجام داده باشد.

شماره ۳، عبدالحسین نجم‌آبادی. شماره ۵، سید مهدی لامیجی. شماره ۱۲، محمد حسین انوار. شماره ۱۸، سید محمد آل‌احمد. شماره ۲۱، علاء‌الدین مشکور. شماره ۲۲، صادق شاه‌آبادی. شماره ۲۴، ابوالقاسم فلسفی تکابنی. شماره ۲۷، عبدالله بهبهانی. شماره ۳۶، علی اکبر موسوی غروی. شماره ۳۹، حسن عنایت. شماره ۴۱، سید علی مدرس زاده تهرانی. شماره ۵۰، ابوالقاسم نجم‌آبادی. شماره ۵۱، سیدحسین فاطمی. شماره ۵۵، علی اصغر فراسیون. شماره ۵۷، سید جعفر بهبهانی. شماره ۵۹، حسین مکی. شماره ۷۲، علی سعید. شماره ۷۵، ضیاءالدین میراسکندری. شماره ۱۰۵، علی محمد آقاچسینی. شماره ۱۰۹، سیدابوالقاسم

بهداشتی و بالاخره کشتارگاه شهر جزو ادارات تابعه شهرداری بوده‌اند.

(آن شهرداری را مقایسه کنید با شهرداری عریض و طویل کنونی تا شاید درک کنید غول شهر شدن تهران به چه قیمتی تمام شده است.)

۱۴ واحد آمار و ثبت احوال در تهران سال ۱۳۳۰ دایر بوده و آمار موالید و فوت شدگان را ثبت می‌کرده است. در آن سال تهران ۱۹ کلانتری داشته است؛ از شماره ۱ تا ۱۶، با اضافه کلانتری سوار-کلانتری دربند و کلانتری قلهک.

بانکهای تهران نیز اینها بوده‌اند: ملی-کارگشایی-انگلیس در ایران-کشاورزی-سپه-رهنی-روس و ایران-بازرگانی ایران.

در دفترچه مزبور فقط نشانی باجه‌های بانک ملی درج است و نشان می‌دهد در آن زمان تنها بانک فعال و معتبر همین بانک ملی بوده است.

این بانک یک شعبه سرکزی برای معاملات ریالی-یک شعبه سرکزی برای معاملات ارزی و یک شعبه در بازار داشته است. باجه‌های آن نیز در محل‌های زیر بوده است:

خیابان اردبیهشت-خیابان ایران-خیابان روزولت (مفتح کنونی)-عشرت آباد-شاه‌آباد (جمهوری کنونی)-زرین نعل (میدان شهدای کنونی)-خیابان شاهپور-خیابان مولوی-سرچشمه-پستخانه (خیابان امام کنونی)-پهلوی (ولیعصر کنونی)-میدان شاه-ایستگاه راه آهن-خیابان دخیانیات-بساژار (سرای حاجی حسن)-بازار عباس آباد-امور برق تهران را بنگاه مستقل برق اداره می‌کرده که یک مدیرکل داشته است. تلفن‌های تهران نیز خودکار و ۵ رقمی بوده است.

مطبوعات و سینماها

سال ۱۳۳۰ در میانه یکی از دوره‌های بحرانی تاریخ ایران قرار داشته است، بنابراین تعجبی ندارد که در آن شهر یک میلیون نفری ۱۱۵ روزنامه و مجله منتشر شود، نامهای این جراید را در زیر آورده‌ایم:

اطلاعات-اقدام-اقلیم-ایران ماه-آذر کشب-آذرین-ایران آسیای جوان-اتحاد ملی-ارشاد ملت-آیندگان-اصلاحات ایران-ادیب-آزادگان-انتقاد

آتش-اخگر-آرام-آهنگ شرق-ادبیه-آرزو-آرین ماه-آشفشان-آذرباد-باختر امروز-بسوی آینده-بختیاری-بهرام-پولاد-پیل ایران-پرچم اسلام-پیک صلح-پرخاش-پرتو ایران-پیام-تقدیر-چاودان-جنگل-جبهه آزادی-خجسته-خبر-خراسان امروز-داد-دادیار-داریا-دروغ-دهقان ایران-دلیران-دنیای امروز-رنج و گنج-رستاخیز جوانان-زورنال دو تهران-ستاره-سفیر-ستاره اسلام-ستاره صلح-سعادت بشر-سرنوشت ما-سیاست ما-شاهین ایران-شاهد-شهباز-شاهراه-صدای مردم-صدای وطن-طلوع-ظهر امروز-عصر-فرقدان-فروغ آزادی-فردا-کشاورزان-کسری-کارزار-کیهان-کلید نجات-کوشش-کشور-مستحکم-مرد دنیا-مرد پیروز-مهرگان-مرزبان-مرد روز-ملت ایران-مرد میدان-مشعل آزادی-مصلحت-نوید آزادی-ندای حق-نجات ملی-نوای وطن-نگهبان-نیسان-ندای اکیباتان-نهضت-نسیم شمال-خوشنود-اطلاعات هفتگی-

تعداد سینماهای تهران در همین سال ۲۸ واحد و نام آنها از این قرار بوده است:

ایران-دیپانا-رکس-مایاک-متروپل-کریستال-پارک-برلیان-ری-تهران-هما-البرز-خورشید-اخبار-پارس-زیبا-میترا-مین-می‌آمی (میامی)-کشور-فری-خیام-تمدن-دماوند-نور-امیریه-هولیود و ملی. نام تأثیرهای ۹ گانه تهران نیز از این قرار است: دهقان-فرهنگ-فردوسی-شهرزاد-جامعه بارید-گیتی (همه در لاله‌زار)-سعدی (شاه‌آباد-جمهوری فعلی)-شاهین (مولوی، باغ فردوس) و ایران (میدان دروازه قزوین).

مساجد و کتابخانه‌ها

طبق مندرجات خود کتابچه آمار مساجد کامل نیست، اما تعداد آن مساجدی که ذکر شده ۵۰ واحد است. از این قرار:



خیابان خیام کنونی در سال ۱۳۳۰... بناهایی که در عکس دیده می‌شود معازات ضلع غربی کاخ دادگستری است.

شاه (سلطانی)-هفت تن-امین الدوله-حاج صفرعلی-سید عزیزالله-شیخ عبدالحسین-معیر-سید ولی-میرزا عبدالکریم-بین الحرمین-میرزا عبدالکریم اصفهانی-شیخ محمد حسین-منشورالسلطان-لولاگر-صاحب الزمان-حاج ابوالفتح-لرزاده-همت آباد-صاحب الزمان (مجدد)-حمام گلشن-حوض-سادات اخوی-پیر عطاء-صغیرها-حاج عبدالنبی-سلیمان-محمدیه-همت آباد-حاجی حسن-مجدالدوله-شریعت سنگلجی-قندی-شیخ هادی-لاله‌زار-امین السلطان-حاج سیف الدوله-سراج الملک-خان مروی-محمد

کاویان-آشفته-تهران مصور-توفیق-ترقی-خواندنیها-حاجی بابا-تهران شهر-صبا-فردوسی-عصر اقتصاد-نیرو راستی-نامه علمی-جهان نو-اطلاعات ماهیانه-تندرست. تعداد چاپخانه‌های قابل ذکر تهران نیز چهل واحد بوده که اسامی مهم‌ترین آنها را در زیر می‌خوانید: چهر-علمیه-اقبال-برادران فردین-مظاهری-تابش-رنگین-مجلس شورای ملی-طلوع-خواندنیها-فردوسی-باقرزاده-تجدد-سازمان برنامه-اطلاعات-فاروس-سپهر.

شریعتمدار- محمودیه- سپهسالار- سپهسالار جدید- آقا اسدالله- امین الدوله- مدرسه مادرشاه- قنات آباد- خندق آباد- نواب- حاج عبدالباقی- صاحب جم- نام چهار تکیه نیز به شرح آتی در زمره اماکن مذهبی ذکر شده است: هفت تن- رضاقلی خان- زرگرها- ملاقلی.

در آن زمان شهر تهران ۱۷ کتابخانه و قرائتخانه داشته است به این شرح: مجلس- منلی- دانشگاه- دانشکده افسری- دانشسرای عالی- فنی وزارت فرهنگ- حاجی حسین آقا ملک- مسجد سپهسالار- دانشکده حقوق- دانشکده پزشکی- اطلاعات- اداره اطلاعات سفارت آمریکا- قرائتخانه آریان- مجله ارتش- نامه شهرنایی- مجله جهان

برای یک میلیون تهرانی ۱۱۵ روزنامه و مجله منتشر می شده است

پزشکی- دانشگاه تهران.

تهران سال ۱۳۳۰ بیست باشگاه ورزشی و ده استخر شنا داشته است.

باشگاهها: نیرو راستی- بوستان ورزش- آراوات- ناچ- نیکنام- دارانی- آهنین- شعاع- بانک ملی ایران- تهران- پولاد- لشکر گارد- لشکر دوم- بیر- پینک پنگ- کلوب زیبا- راه آهن- ژاندارمری- دخانیات- شاهین- استخرها: امجدیه- بوستان ورزش- رامسر- راه آهن- منظره- خرم- شهر ری- ورزشده- اشتراس پارک- بوت کلوب.

تجارت و صنعت

نام ۱۹۶ شرکت به عنوان شرکتهای مهم در کتابچه مورد بحث درج است. اسامی تعدادی از آنها را نقل می کنیم:

بیمه ایران- ایران و بریتانیا- توپون چپق نیکوب ایران- صادرات کتیرای ایران- صنایع پشم اصفهان- فرش- تضامنی آرزومانیان- تضامنی هارو طویان- مطلوب- القانین- پروین و شرکا- جواد کاشانی و شرکا- حسو و شرکا- حمید کاشانی و شرکا- گیو و شرکا- ایران و آلمان- هند و ایران- اتفاق- آراوات- آزمایش- البرز- یانسن- آمپرس- ایران و سوند- ایران اشکودا- برادران اعتماد- علی طاهراز و شرکا- رنگ سازی ایران- رنگ شرق- باربری بین المللی- تلفن ایران- سیگاری- قالیچیان- قندهاری- نعیم و شرکا- مقدم و یزدی- مقدم و توکلیان- اتومبیل ایران- زیمنس. واحدهای صنعتی تهران و حومه آن از این قرار بوده است:

کارگاه مواد شیمیائی امین آباد- کارخانه گوردن و

جوهر نمک (بالتر از میدان امام حسین کنونی)- گلیسیرین و صابون (شهری)- روغن کشتی ورامین- مواد نسوز (امین آباد)- سیمان شهری- دخانیات (محل کنونی)- بسته بندی چای (میدان شاه)- سیلو (انتهای خانی آباد)- ضرابخانه (پاسداران کنونی)- محل فعلی)- برق (میدان ژاله- شهدای کنونی)- هنرهای ملی (میدان بهارستان)- بلورسازی تهران (نازی آباد)- بلورسازی بنی هاشمی (سیرون دروازه ری)- بلورسازی ماک (روزولت مقابل امجدیه)- بلورسازی میهن (میدان گمرک)- بلورسازی حاج محمد حسین بلورفروشان (پل نازی آباد)- شیشه سازی مهدی زجاجی (جنب دروازه غار)- بلورسازی گیلانپور (گمرک- جنب ژاندارمری)- بلورسازی امید (دروازه قزوین)- چرم سازی تهران

۵ هتل- ۸ مهمانخانه- ۵ بانسیون و ۱۱۳ مسافرخانه به مسافران داخلی و خارجی تهران خدمت می کرده اند. نام آنها: پالاس- پارک- ریتز- فردوسی- رکس. نام مهمانخانه ها: نادری- گیلان- دریند- جهان- گیلان نو- ری- بلوار- لیستر پلاس. نام بانسیون ها: فیلا دلفیا- بانو تونی پالیوس- خاور میانه- آلین بنیر- ماتسین. نام برخی مسافرخانه ها: سانترال- اروپا- متروپل- اردیبهشت نو- تبریز نو- اسلام- شمس- بوذرجمهری- حقیقت- مرکزی- شرافت- گلستان- ناصری- اقبال- ایران جوان- چمن زار- کاشانی- خوزستان- شوش- مقدس- سروش- فردوسی- بنفشه- دلگشا- خورشید- کاظمین- قناعت رشت- فرد آذربایجان.

جایگاههای سوخت

در سال ۱۳۳۰ هنوز نفت ایران ملی نشده بود. نهضت ملی می رفت تا آماده تحقق بخشیدن به یکی از آرزوهای ملی شود. در دفترچه ای که از سوی دائره جغرافیائی ستاد ارتش ایران منتشر شده بود فقط یک صفحه به نفت، اداره کننده آن و جایگاههای فروش فرآورده های نفتی اختصاص داشت. این صفحه دو موضوع را به ذهن ما آقا می کند. اول این که گویی بزرگترین منبع ثروت ملی در آن روزگار ربطی به ایران و ایرانی نداشته است. و دیگر این که چه روزگار خوشی! تعداد اتومبیل آنقدر کم بوده که فقط ۱۳ پمپ بنزین برای رفع نیازهای اتومبیل داران کفایت می کرده است.

پایان هر سال (روز ۲۹ اسفند) زا بخاطر ملی شدن صنعت نفت کشور جشن می گیریم. این گزارش را با ارج گذاری به خدمات کسانی که نفت ما را ملی کردند، با ذکر مشخصات صفحه ۱۰۳ کتابچه راهنمای شهر تهران- نشریه دائره جغرافیائی ستاد ارتش به پایان می بریم:

اداره مرکزی شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس، خیابان سپه- انبار نفت، کارگاه تعمیر و گاراژ، خیابان نازی آباد- اداره کل استخدام، خیابان شاه (نادری)- اداره اطلاعات، خیابان شاه (نادری)- فروشگاه شماره ۱، خیابان پهلوی (امیریه)، چهارراه گمرک- فروشگاه شماره ۲، خیابان شاهرضا- فروشگاه شماره ۳، خیابان ری- فروشگاه شماره ۴، خیابان بوذرجمهری- فروشگاه شماره ۵، خیابان دروازه شمیران (جلو خان مجلس)- فروشگاه شماره ۶، خیابان سعدی (دروازه دولت)- فروشگاه شماره ۷، خیابان نظامی (سی متری جنب باغشاه)- فروشگاه شماره ۸، خیابان محمدیه (اعدام)- فروشگاه شماره ۹، خیابان حافظ (چهارراه یوسف آباد، شاهرضا)- فروشگاه شماره ۱۰، دروازه قزوین، جاده قدیمی کرج- فروشگاه تجریش شماره ۱، تجریش جاده شمیران- فروشگاه تجریش شماره ۲، جاده پهلوی- باغ فردوس- فروشگاه ری، شهر ری.

(بیرون دروازه دوشان تپه)- میشن (کوچه صدرالاشرف- خیابان ری)- چرم سازی زوک (دوشان تپه)- چرم سازی آدریک (دوشان تپه)- چرم سازی اصلاتیانس (دوشان تپه)- چرم سازی لوکس (خیابان هلسلیل). از ۱۸ کارگاه بافندگی- جوراب بافی و کشیاف نیز نام برده شده است که آشناترین نامها از این قرارند: قدس جورابچی- صنایع الدوله- برادران جورابچی- مشکوة جورابچی- کشیافی صبا- کشیافی ایران. نام ۱۲ واحد تهیه مصالح ساختمانی نیز در این کتابچه ذکر شده است. از جمله آجر فشاری میهن- سمیت کاری کامکار و کارخانه آجر سازی باستان.

حمل نقل درون و برون شهری

تهران ۳۳ خط اتوبوسرانی داشته است. خطوط از شماره ۱ شروع شده و به شماره ۳۳ ختم می شد. برای آگاهی از طول مسیرها، مسیر خطوط اول و آخر را نقل می کنیم:

خط ۱- میدان دروازه قزوین- سی متری- سپه (خیابان امام خمینی)- میدان سپه (میدان امام)- ناصر خسرو- بوذرجمهری- خیام- خیابان سپه و بالعکس. خط ۳۳- میدان شهناز (امام حسین کنونی)- شاهرضا (انقلاب کنونی)- دروازه دولت- فیشر آباد (سپهد قوه کنونی)- خیابان کالج (حافظ کنونی)- چهارراه تخت جمشید (طالقانی کنونی)- پهلوی (ولیعصر کنونی)- آب نمای کرج (بلوار کشاورز کنونی) و بالعکس. ۴۷ بنگاه مسافربری و باربری نیز در تهران دایر بوده اند که نام بعضی از آنها خاطر انگیز است: لوان تور- میهن تور- ایران پیم- گیلان تور- اتوسیر اقتصاد- میهن پیم- اتفاق بابل- بنگاه ری- اتوشیشه.